



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Islamic
Theology and Knowledge

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://rahnama.isri.ac.ir>

Volume: 2; Number: 4



Explaining the Key Components of an Ideal Islamic Governor; Emphasizing Sha'baniyah Supplications

Mohammad esmaeil Abdollahi*, Tayebeh Alaei**

Doi: 10.22034/gr.2026.542629.1075

Receipt: 2025/08/21 - Accepted: 2025/10/17

(64-91)

Abstract

The search for an optimal governance model is a primary concern in political thought. However, a serious theoretical gap exists in the sphere of Islamic governance, as the existing literature has often neglected the existential and spiritual dimensions of the ruler, overlooking the potential of mystical texts such as the Sha'baniyah Supplication, since this supplication, as an educational and epistemological text, can provide a novel framework for re-conceptualizing the model of Islamic governance. This research, aiming to fill this gap, sought to extract and elucidate the key components of the optimal ruler's model from within the text of the Sha'baniyah Supplication. The present research was conducted with a qualitative, descriptive-analytical approach and a library-based method. The content of the supplication was analyzed to identify and categorize fundamental concepts. The findings revealed a four-part model for rulers of the Islamic standard: 1) intellectual humility, 2) organizational piety and structural integrity, 3) active trust (tawakkul) and a dynamic balance between fear (khawf) and hope (raja), and 4) fundamental hopefulness and an afterlife-oriented horizon. This research indicates that Islamic governance is rooted in the inner transformation of the ruler, shifting the focus from structural processes to the ruler's personality. The implications of this research include providing a practical framework for the selection and training of managers and offering a profound, indigenous perspective for future studies in governance, whereby future studies can expand the research path by analyzing other mystical texts and empirically testing this model.

Keywords: Governance; Sha'baniyah Supplication; Islamic Governance; Ideal Islamic Governor

*. Faculty of Governance,
University of Tehran, Tehran,
Iran, m.e.abdollahi@ut.ac.ir.

** Master's student Public
Administration - Public Policy
Making, Faculty of Management,
University of Tehran, Tehran,
Iran, Alaei.tayebe@ut.ac.ir.



پژوهشگاه علوم اسلامی مصادیق

پژوهشگاه هیات و معارف اسلامی

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

نشانی رایانه نشریه: http://rahnama.isri.ac.ir

سال دوم؛ شماره چهارم



- * استادیار گروه حکمرانی فرهنگی اجتماعی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، m.e.abdollahi@ut.ac.ir
- ** دانشجو کارشناسی ارشد مدیریت دولتی / گرایش خط مشی گذاری عمومی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران، Alaei.tayebe@ut.ac.ir

تبیین مؤلفه‌های حکمران در تراز اسلام؛ با تأکید بر مناجات شعبانیه

محمداسماعیل عبداللہی*، طیبہ علانی**

Doi: 10.22034/gr.2026.542629.1075

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۵

نوع مقاله: علمی پژوهشی

(۹۱-۶۴)

چکیده

جست‌وجو برای الگوی حکمرانی مطلوب، دغدغه‌ای اصلی در اندیشه سیاسی است. با این حال، در حوزه حکمرانی اسلامی، خلأ نظری جدی وجود دارد؛ زیرا ادبیات موجود اغلب ابعاد وجودی و معنوی حاکم را نادیده گرفته و از ظرفیت متون عرفانی، مانند مناجات شعبانیه، غفلت ورزیده است؛ زیرا مناجات شعبانیه، به مثابه متنی تربیتی و معرفتی، می‌تواند بستری نوین برای بازخوانی الگوی حکمرانی اسلامی فراهم آورد. پژوهش پیش رو با هدف پر کردن این خلأ، به استخراج و تبیین مؤلفه‌های کلیدی الگوی حاکم مطلوب از متن مناجات شعبانیه پرداخت. این پژوهش با رویکردی کیفی، توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای انجام شد. محتوای مناجات برای شناسایی و دسته‌بندی مفاهیم بنیادین تحلیل گردید. یافته‌ها یک الگوی چهاربخشی را برای حکمران تراز اسلام آشکار ساخت: (۱) فروتنی فکری، (۲) تقوای سازمانی و صداقت ساختاری، (۳) توکل فعال و تعادل پویای خوف و رجا و (۴) امیدواری بنیادین و افق آخرت‌محور. این پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی ریشه در تحول درونی حاکم دارد و تمرکز را از فرایندهای ساختاری به شخصیت او منتقل می‌سازد. پیامدهای این پژوهش، ارائه یک چهارچوب کاربردی برای گزینش و آموزش مدیران و ارائه یک چشم‌انداز عمیق و بومی برای مطالعات آینده در حکمرانی است که مطالعات آینده می‌توانند با تحلیل دیگر متون عرفانی و آزمون عملی این مدل، مسیر پژوهش را گسترش دهند.

کلیدواژگان: اصول حکمرانی؛ مناجات شعبانیه؛ حکمرانی اسلامی؛ حکمران تراز اسلامی.

مقدمه

جست‌وجوی الگوی حکمرانی مطلوب، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشه سیاسی بشر بوده است. در این زمینه، اندیشه اسلامی با ارائه یک جهان بینی متعالی، حکمرانی را نه تنها یک ساختار قدرت مادی یا مدیریت امور دنیوی، به مثابه تجلی «مسئولیت الهی» و «امانت» در مسیر هدایت و سعادت بشر می‌شناسد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ» (نساء: ۵۸). این دیدگاه اسلامی حکمرانی را در چهارچوب عبودیت و خدمتگزاری به سوی کمال انسانی بازتعریف می‌کند؛ چنان‌که حدیث نبوی «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸ق: ۲۳۴) به طور صریح حکمران را خادم مردم معرفی می‌کند. این نگرش به حکمرانی، فراتر از کارایی عملی، بر ابعاد اخلاقی و معنوی آن تأکید دارد.

با وجود پیشینه غنی اسلامی در حوزه حکمرانی - که ریشه در منابع اصیل چون قرآن، سنت نبوی و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام دارد - ادبیات حکمرانی معاصر غالباً از مبانی معرفتی و هستی‌شناختی لازم برای تبیین حکمرانی اسلامی بی‌بهره بوده و نیازمند بازخوانی انتقادی براساس متون بنیادین اسلامی می‌باشد (قوچانی، ۱۳۷۴: ۱۳۴). در این زمینه، متون دینی و عرفانی، به ویژه مناجات‌ها، ظرفیت بالایی برای استخراج الگوهای حکمرانی بومی و اصیل دارند؛ اما با وجود تأکیدات فراوان بر قرآن و نهج البلاغه، متون عرفانی - همچون مناجات شعبانیه - کمتر در تحلیل‌های حکمرانی اسلامی گنجانده شده‌اند (محمدی گیلانی، ۱۳۷۳: ۱۵). این غفلت موجب تحلیلی سطحی از حکمرانی اسلامی شده و جنبه‌های وجودی حکمران، مانند تواضع، تقوا و آخرت باوری، به حاشیه رانده شده، در حالی که توجه به جنبه‌های ساختاری و فرایندی غالب گردیده است.

مناجات شعبانیه، به مثابه یکی از متون برجسته در منابع معتبر شیعه همچون مصباح‌الزائر (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۶۹۱)، گنجینه‌ای از مفاهیم معرفتی، اخلاقی و معنوی را دربر دارد که می‌تواند الگویی جامع از حکمرانی اسلامی ترسیم کند. این متن به جای ارائه دستورالعمل‌های جزئی، بر ویژگی‌های وجودی و پایدار حکمران تأکید دارد، از جمله: اعتراف به محدودیت‌های معرفت انسانی، فروتنی، تضرع به خداوند، خداترسی،

آخرت‌گرایی و صداقت در کلام. این مؤلفه‌ها در قالب یک سیستم یکپارچه، الگویی از حکمرانی را می‌سازند که نه تنها کارآمدی دنیوی را تضمین می‌کند، رضای الهی و خدمت خالصانه به مردم را هدف نهایی خود قرار می‌دهد؛ همان‌طور که امام خمینی علیه السلام بیان کرده‌اند: «مناجات شعبانیه از مناجات‌هایی است که اگر بنده پیگیر آن شود، انسان را به جایگاه والایی می‌رساند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۲۵۳).

این پژوهش بر این مسئله تأکید دارد که متون عرفانی، به ویژه مناجات شعبانیه، اغلب به مثابه منبع مبانی حکمرانی اسلامی نادیده گرفته شده و این امر موجب فقدان الگوهای نظام‌مند و اصیل برای تبیین حکمرانی اسلامی شده است؛ بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش چنین است: فرازهای مناجات شعبانیه چه ویژگی‌های کلیدی را برای تبیین الگوی حکمران مطلوب در تراز اسلام ارائه می‌دهند؟

در پاسخ به این پرسش، اهداف پژوهش در سه محور اصلی پیگیری می‌شود: نخست، استخراج و تبیین مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی از دل متن مناجات شعبانیه؛ دوم، دسته‌بندی این مؤلفه‌ها در چهارچوب ابعاد معرفتی، اخلاقی، رفتاری و معنوی؛ و سوم، ارائه الگویی مفهومی و نظام‌مند از حکمران تراز اسلام. فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که مناجات شعبانیه مجموعه‌ای هم‌افزا و به هم پیوسته از شایستگی‌ها را عرضه می‌کند که حول محور عبودیت، الگویی از حکمرانی خادم‌محور، پاسخ‌گو و آخرت‌گرا را شکل می‌دهد. نوآوری این مطالعه در دو سطح متجلی است: از نظر موضوعی، بهره‌برداری از متون عرفانی به مثابه منبع اولیه برای استخراج مبانی حکمرانی؛ و از دیدگاه کاربردی، ارائه الگویی عملیاتی برای گزینش و ارزیابی حکمرانان در سازمان‌های اسلامی. این پژوهش از نظر ماهیت کیفی و از لحاظ هدف کاربردی-توسعه‌ای است و با رویکرد توصیفی-تحلیلی پیش می‌رود.

در ادامه، پس از بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش، به تحلیل محتوای مناجات پرداخته و مؤلفه‌های استخراج‌شده در قالب الگوی نهایی ارائه خواهد شد. امید است این پژوهش گامی مؤثر در غنای ادبیات حکمرانی اسلامی و بومی‌سازی علوم مدیریتی برپایه منابع اصیل اسلامی باشد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، «حکمرانی اسلامی» به یکی از محورهای اصلی مطالعات دینی، سیاسی و مدیریتی بدل شده است. در تمایز با الگوی «حکمرانی خوب»، که عمدتاً بر مبانی سکولار و انسان‌محور استوار است (Grindle, 2007)، حکمرانی اسلامی بر جهان‌بینی توحیدی، عدالت‌محوری، مسئولیت الهی و اخلاق‌گرایی مبتنا دارد. در این چهارچوب، طباطبایی ندوشن و غفوری در کتاب «سیاست و حکمرانی در قرآن و نهج‌البلاغه» با تحلیل نهج‌البلاغه، مؤلفه‌هایی چون عدالت، زهد، مسئولیت‌پذیری و نظارت الهی را ارکان حکمرانی اسلامی دانسته‌اند (غفوری و طباطبایی ندوشن، ۱۴۰۲). عبداللهی (۱۴۰۲) در مقاله «نقش مجتهد حکمران در حکمرانی دینی: بررسی عنصر بنیادی در تعامل الهیات، مردم و حکومت» با روش تحلیل مفهومی، مجتهد را واسطه‌ای میان امر الهی و واقعیت اجتماعی معرفی می‌کند که باید واجد توان ساختارسازی، ارتباط مردمی و فهم الهیاتی باشد. باباپور گل‌افشانی (۱۳۹۹) نیز در «حاکمیت و حکمرانی در نهج‌البلاغه» با تحلیل خطبه‌ها و نامه‌های امام‌علی (ع)، تقوا، ساده‌زیستی، صیانت از بیت‌المال و پاسخ‌گویی الهی را از ویژگی‌های حکمران اسلامی برمی‌شمارد و بر پیوند اخلاق فردی و ساختار حکمرانی تأکید دارد.

محمدی و همکاران (۱۴۰۱) در «ضرورت حکمرانی خوب از منظر قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص)» با روش توصیفی-تحلیلی، عدالت، مشورت و رعایت حقوق مردم را شاخص‌های قرآنی حکمرانی نبوی معرفی کرده‌اند (محمدی، ۱۴۰۱). خاشعی و هرنندی (۱۳۹۳) نیز با تلفیق روش اجتهادی و تحلیل محتوا در «تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام‌علی (ع)»، الگویی جامع مبتنی بر عدالت، عقلانیت، واقع‌نگری و مسئولیت الهی ارائه داده‌اند. عبداللهی (۱۴۰۰) در کتاب «نور ایمان و عقل حکمرانی» با رویکردی فلسفی-تمدنی، تلفیق ایمان و عقلانیت را شرط پرهیز از فروکاست مدیریتی دانسته و با استناد به اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، پیشنهاد تأسیس دانشکده‌های حکمرانی دینی را مطرح می‌کند. رهبر و شریعتی (۱۳۹۷) در «الگوی مفهومی واقع‌نگری در اندیشه و رفتار سیاسی امام‌علی (ع)» با بهره‌گیری از نظریه اسکینر، واقع‌نگری را سازوکاری

مشروعیت‌بخش در حکمرانی اسلامی معرفی کرده‌اند. ادیانی و موسوی‌راد (۱۳۸۹) نیز در «شاخص‌های کارآمدی و کارایی حکومت اسلامی در اندیشه امام علی (ع)» نشان می‌دهند که کارآمدی در اسلام با عدالت، رضایت مردمی و صیانت از بیت‌المال سنجیده می‌شود. در حوزه عرفان اسلامی، مناجات شعبانیه به مثابه متنی تربیتی-معرفتی، ظرفیت نظری مهمی برای بازخوانی الگوی حکمرانی دارد. این مناجات با ترسیم انسانِ مسئول و متواضع در مسیر قرب الهی، مبنایی برای نظریه‌پردازی در حکمرانی معنوی فراهم می‌آورد.

در سطح بین‌المللی، پژوهش (Wagner, 2013) درباره مالزی، اندونزی و خاورمیانه نشان می‌دهد که تحقق حکمرانی اسلامی در عمل مستلزم تلفیق آموزه‌های دینی با سازوکارهای نوین مدیریتی است (Wagner, 2013). همچنین، Avdukic and Hasanovic (2025) در «Business, Economy and Commerce in the Name of God» با تمرکز بر حکمرانی اقتصادی اسلامی، رضایت الهی و عدالت اجتماعی را مبنای آن معرفی کرده‌اند. مطالعات معناشناختی «حُجُبُ التَّوَر» و نیز پژوهش «تجلی آیات قرآنی در مناجات شعبانیه» نشان می‌دهد که مفاهیمی چون قرب الهی و تجلی صفات رحمت، جود، علم و عفو، می‌توانند در تبیین الگوی حکمرانی معنوی اسلامی نقش آفرین باشند.

جدول ۱. بررسی پیشینه پژوهشی

نویسنده / سال	عنوان پژوهش	روش پژوهش	مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی اسلامی	نوآوری پژوهش
مرزبان و همکاران (۱۴۰۳)	واکاوی حکمرانی متعالی: مدلی برای جهان اسلام و تبیین مؤلفه‌های آن از منظر قرآن و سنت پیامبر (ص)	تحلیل مضمون	عدالت، تقوا، شایسته‌سالاری، مردم‌مداری	ارائه مدل بومی حکمرانی اسلامی
عبداللهی (۱۴۰۰)	کتاب «نور ایمان و عقل در حکمرانی»	تحلیلی- مفهومی	ایمان، عقل، حکمت، ساختار حکمرانی دینی	تلفیق عقلانیت و ایمان در

				طراحی نقشه حکمرانی
مطهری (۱۳۸۵)	آشنایی با علوم اسلامی (بخش انسان‌شناسی)	فلسفی- تحلیلی	انسان کامل، مسئولیت الهی، اخلاق	تبیین نقش انسان کامل در حکمرانی اسلامی
باباپور گل افشانی (۱۳۹۲)	حاکمیت و حکمرانی در نهج البلاغه	تحلیل خطبه‌ها	تقوا، ساده‌زیستی، رعایت بیت‌المال	استخراج مؤلفه‌های حکمرانی از نهج البلاغه
صالحی و قاسمی (۱۴۰۲)	تبیین مسئله ضرورت حکمرانی خوب از منظر قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام ﷺ	توصیفی- تحلیلی	عدالت، مشورت، رعایت حقوق مردم	بازخوانی حکمرانی نبوی در قرآن
خاشعی و هرندی (۱۳۹۳)	حکمرانی متعالی در سیره امام علی ﷺ	تحلیل محتوا + اجتهادی	عقلانیت، واقع‌نگری، مسئولیت الهی	تلفیق روش اجتهادی با تحلیل داده‌های دینی
رهبر و شریعتی (۱۳۹۷)	واقع‌نگری در رفتار سیاسی امام علی ﷺ	تحلیل مفهومی	مشروعیت، واقع‌نگری، اخلاق سیاسی	استفاده از نظریه اسکینر در تحلیل دینی
عبداللهی (۱۴۰۲)	نقش مجتهد حکمران در حکمرانی دینی	تحلیل مفهومی	مجتهد حکمران، تعامل الهیات و مردم، مشروعیت دینی	بازتعریف نقش مجتهد به‌عنوان واسطه الهی- اجتماعی
ادیانی و موسوی	شاخص‌های	توصیفی-	رضایت مردمی،	تمرکز بر

عملکرد در حکمرانی اسلامی	عدالت، کارایی	تحلیلی	کارآمدی حکومت اسلامی	راد (۱۳۸۹)
استفاده از مناجات شعبانیه در حکمرانی معنوی	معرفت، قرب، خرق حجاب	معناشناسی قرآنی	تحلیل معناشناختی «حُجُبُ التَّوَر» در مناجات شعبانیه با رویکرد قرآنی	عشریه (۱۴۰۳)
پیوند صفات الهی با الگوی حکمران اسلامی	صفات الهی، اخلاق، تربیت	تفسیری-تحلیلی	تجلی آیات قرآنی در مناجات شعبانیه	رضی بهابادی و همکاران (۱۴۰۱)
استخراج اصول حکمرانی از قرآن با رویکرد سرمایه اجتماعی	توحید، نفی طاغوت، مردم‌پایگی، خلیفه الهی، کرامت	توصیفی-تحلیلی + داده بنیاد	انگاره حکمرانی توحیدی و ارتقای سرمایه اجتماعی	عبداللہی (۱۴۰۳)
حکمرانی اقتصادی با رویکرد دینی	عدالت اقتصادی، رضایت الهی	تحلیلی-اقتصادی	Business and Governance in Islam	Avdukic And Hasanovic(2025)
نقد الگوی حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه	شفافیت، پاسخ‌گویی، کارآمدی، مشارکت	تحلیلی-مفهومی	Good Enough Governance Revisited	Grindle (2007)
بررسی تطبیقی	اخلاق‌گرایی، عدالت، رضایت	تطبیقی-تحلیلی	Islamic Perspectives on Good Governance	Wagner (2013)

			الهی	حکمرانی اسلامی در کشورهای مسلمان
--	--	--	------	---

روش پژوهش

این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و درصدد ارائه الگویی مفهومی برای حکمرانی اسلامی بر پایه منابع دینی و عرفانی است. از نظر روش، کیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است و داده‌ها از طریق بررسی نظام مند کتاب‌ها، مقالات علمی، منابع تفسیری، آثار عرفانی و متون کلاسیک اسلامی گردآوری شده‌اند. در گام نخست، با مرور ادبیات حکمرانی اسلامی، مؤلفه‌های کلیدی آن در آثار فقهی، سیاسی، اخلاقی و مدیریتی استخراج شد؛ سپس با تمرکز بر مناجات شعبانیه، مفاهیم بنیادین آن به شیوه قیاسی استنباطی تحلیل و با شاخص‌های حکمرانی خوب تطبیق داده شد تا براساس انسان‌شناسی عرفانی این متن، تصویری از حکمران مطلوب عدالت محور، کارآمد و متعهد به تعالی روحی ترسیم گردد. یافته‌ها در قالب چهارچوبی منسجم در سه سطح معرفتی، اخلاقی و نهادی سامان‌دهی شد. این چهارچوب نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی بر پیوند میان انسان‌شناسی عرفانی و ساختارهای حکمرانی تأکید دارد و مناجات شعبانیه می‌تواند منبعی الهام‌بخش برای بازخوانی این الگو باشد.

۱. مفهوم حکمرانی

در ادبیات معاصر علوم اجتماعی و سیاسی، مفهوم حکمرانی (governance) به مثابه فرایندی پویا برای اداره امور عمومی و خصوصی، جایگاه ویژه‌ای یافته است (ناصری، ۱۴۰۴). براساس بررسی‌های نظری و تجربی، حکمرانی را می‌توان به عنوان «فرایند اداره امور» تعریف کرد که شامل قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، نظارت و اعمال قدرت مشروع به منظور دستیابی به اهداف مشترک در چهارچوب ارزش‌ها و هنجارهاست (بور، ۱۳۹۷: ۱۶). این تعریف، که ریشه در رویکردهای غربی دارد، بر تمرکززدایی از دولت و مشارکت‌کنندگان متعدد تأکید می‌ورزد و نشان‌دهنده گذار از مفهوم سنتی دولت (state) به فرایندهای گسترده‌تر حکمرانی است.

در تعریف دیگر، حکمرانی به مجموعه روش‌ها و اصولی گفته شده است که اداره و اجرای سیاست‌های دولت را سازمان‌دهی می‌کند و بر شبکه‌هایی فراتر از دولت تأکید دارد؛ یعنی تمرکز از دولت محض به تعامل میان نهادها منتقل می‌شود (Andelković, 2023). یا در تعریفی دیگر آمده است حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن در سطح جامعه است که شامل نهادها، ساختارها و رویه‌هایی است که نحوه اتخاذ و اجرای سیاست‌ها را شکل می‌دهد (Barbier & Tengeh, 2023). بنابر تعریف دونالد کتل، حکمرانی عبارت است از شبکه‌ای از نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های تعاملی که در تولید و توزیع منابع و شکل‌دهی سیاست‌های عمومی نقش دارند و می‌توان گفت ساختار فرانهادی (institutional superstructure) دارد (Kettl, 2015). حکمرانی را می‌توان نفوذ هدایت‌شده در فرایندهای اجتماعی تعریف کرد (گرچی، ۱۳۹۶)؛ چراکه حکمرانی فراتر از کنترل رسمی دولت، محل تعامل بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است که هدف آن پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان و ارتقای کارایی سیاست‌هاست (سالارزهی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱).

۲. بنیان‌های شناختی حکمرانی اسلامی

در چهارچوب الهیاتی اسلامی، حکمرانی به دو دسته اصلی «حکمرانی خیر» (good governance) و «حکمرانی شر» (evil governance) تقسیم می‌شود، که حکمرانی اسلامی عمدتاً با حکمرانی خیر هم‌خوانی دارد (ناصری، ۱۴۰۴). حکمرانی خیر، که ریشه در آموزه‌های قرآنی و روایی دارد، به‌مثابه شیوه‌ای از اداره جامعه تعریف می‌شود که برپایه نظام ارزشی الهی (مانند اسلام) برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی یا گسترده‌تر طرح‌ریزی شده است. تحلیلاً، این حکمرانی بر حاکمیت خداوند تکیه دارد؛ جایی که رهبران فقط اجراکنندگان احکام الهی هستند، مشروط به پالایش درونی و پذیرش عمومی (مدرسه عالی حکمرانی شهید بهشتی، بی تا). این تعریف، برخلاف رویکردهای سکولار، حکمرانی را فراتر از فرایندهای اداری می‌بیند و آن را به‌مثابه تجلی فضایل اخلاقی ارائه شده از سمت حکما - که شامل: حکمت، شجاعت، عفت و عدالت است - در جان انسان و جامعه تحلیل می‌کند (رازی، ۱۴۳۷ق: ۳۷) و حکمرانی را به

سیستمی اخلاقی- الهی تبدیل می کنند که کارایی مادی را با رستگاری معنوی پیوند می زند. بنابراین، حکمرانی اسلامی یک مفهوم یک بعدی و صرفاً سیاسی نیست، بلکه یک نظام جامع است که ابعاد الهیاتی، اخلاقی، قانونی و اجتماعی را دربر می گیرد. ابعاد نام برده به ترتیب بدین صورت تبیین می شود.

۱-۲. تعریف مبتنی بر «حاکمیت الهی و ولایت»

تعریف مبتنی بر بُعد الهیاتی، بنیان حکمرانی اسلامی را بر این اصل استوار می کند که حاکمیت مطلق و نهایی از آن خداوند است و هر نوع قدرت و ولایت در زمین، نشئت گرفته از اذن اوست. حاکم در این نظام، نه مالک قدرت، بلکه «وکیل» و «امین» روی زمین است. خداوند خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (نساء: ۶۴). این آیه به وضوح نشان می دهد که اطاعت از پیامبر - و به تبع آن، حاکم اسلامی - در گرو «اذن الهی» است. بنابراین، مشروعیت حاکم از مردم نشئت نمی گیرد، بلکه از خداست و مردم وظیفه اطاعت از او را در چهارچوب اطاعت از خدا دارند. امام خمینی علیه السلام در کتاب ولایت فقیه فرمودند: «حکومت اسلامی به معنای حاکمیت قانون الهی بر مردم است... حاکم در اسلام همانند سایر مردم تابع قانون است و هیچ امتیازی بر دیگران ندارد» (خمینی، بی تا: ۴۴ و ۴۵).

۲-۲. تعریف مبتنی بر «تحقق عدالت و قسط»

هدف غایی حکمرانی اسلامی، برقراری عدالت در تمام ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. عدالت، محور اصلی فعالیت های حکومت و معیار اصلی برای سنجش کارآمدی آن محسوب می شود؛ همان طور که خداوند می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقَومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). این آیه هدف از فرستادن پیامبران و نازل کردن کتاب و میزان (معیار سنجش) را برقراری «قسط» (عدالت) اعلام می کند. بنابراین، حکومتی که عدالت را برپا نکند، از رسالت اصلی خود بازمانده است؛ چراکه در نامه معروف امام علی علیه السلام به مالک اشتر، بر اهمیت عدالت تأکید فراوان شده: «فَلْيَكُنْ أَحَبُّ الذَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَدْلِ، وَأَزْكَى عِتَادِكَ عِتَادُ الثَّقَوِيِّ» (نهج البلاغه: نامه ۵۳) و آن حضرت عدالت را به مثابه «ذخیره» و گنجینه ارزشمند برای حاکم معرفی فرموده است.

۲-۳. تعریف مبتنی بر «حاکمیت قانون و شریعت»

در حکمرانی اسلامی، هیچ فردی -از جمله خود حاکم- فراتر از قانون نیست. قانون همان شریعت الهی است که حاکم موظف به اجرای آن است و نمی‌تواند براساس هوای نفس یا سلیقه شخصی خود حکم کند؛ زیرا خداوند خطاب به پیامبر ﷺ که پیروی از «شریعت» را امر می‌کند و از پیروی از «اهواء» نهی می‌کند، اصل کلیدی «قانون‌مداری» را در حکومت اسلامی تثبیت می‌کند و می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعةٍ مِّنَ الْأُمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (جائیه: ۱۸).

۲-۴. تعریف مبتنی بر «مشارکت و مسئولیت‌پذیری مردم»

حکمرانی اسلامی، نظامی استبدادی و کاملاً از بالا به پایین نیست. مردم از طریق ابزارهایی مانند «بیعت» (اعلام پذیرش حاکم)، «شورا» («وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) و «امر به معروف و نهی از منکر» در اداره جامعه نقش فعال دارند و در قبال حکومت و جامعه خود مسئولیت‌پذیر هستند. شهید مطهری در سیر فکری خود، در نظام اسلامی، مردم را نه تنها مخاطب قانون، شریک در اجرای آن و مسئول در قبال آن می‌داند و امر به معروف و نهی از منکر را بالاترین شکل مشارکت مردمی در نظارت بر حکومت و جامعه معرفی می‌نماید (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۹: ۳۹). ابتدا حکمران باید صراحتاً به محدودیت‌های معرفتی خویش اعتراف کند و هم‌زمان حداکثر توان علمی و پژوهشی را به کار گیرد، اما برای تضمین نتایج، بر «حَسْبُنَا اللَّهُ (آل عمران: ۱۷۳)؛ خدا ما را کافی است» توکل کند. چنین «توکل فعال» نه به معنای کناره‌گیری از تلاش، بلکه به معنای همراه‌سازی علم انسانی با حکمت الهی است و زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های سنجیده در مواجهه با عدم قطعیت می‌شود.

در ادامه، این مبنا در رفتار رهبری به فروتنی تبدیل می‌شود. تواضع، در اصطلاح علم اخلاق، از فضایل ارزشمند اخلاقی محسوب شده و به معنای داشتن ملکه شکسته‌نفسی است، به گونه‌ای که انسان برای خود مزیتی بر دیگران نبیند و با کردار و گفتار خویش، دیگران را بزرگ شمرده و به آنان احترام بگذارد (صدر، ۱۳۸۴: ۴۰). مناجات شعبانیه می‌گوید:

«مُسْتَكِينًا لَكَ» و نامه امیرالمؤمنین علیه السلام تأکید می کند که قلب حکمران باید سرشار از رحمت و احترام نسبت به پیروان باشد، بی آنکه هاله ای از برتری جویی بر دیگران روا دارد: «وَأَشِعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ... فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لَهُمْ (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ دل خود را آکنده ساز از رحمت نسبت به رعیت، و محبت برای آنان، و نرمی با آن ها... پس همت خود را از آنان باز مدار و با تکبر روی از آنان برمگردان!» این تواضع، حکمران را مشورت پذیر و کرامت محور می سازد؛ زیرا این فضیلت در اصطلاح اخلاقی، به معنای شکسته نفسی و پرهیز از خودبرترپنداری است (نراقی، ۱۳۷۸، ج: ۱، ۲۰۰).

از دل فروتنی و تواضع، ملکه «تقوای سازمانی» زاییده می شود؛ نیرویی که حکمران را از لغزش و فساد باز می دارد. همان طور که امام علی علیه السلام فرموده است: «لَا كَرَمَ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱)، مناجات نیز هشدار می دهد که انسان جز به فضل الهی قادر به بازگشت از معصیت نیست: «إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَن مَعْصِيَتِكَ (قمی، مناجات شعبانیه)؛ ای خدا من قدرتی که از معصیت و گناه بازگردم ندارم!» این خوف آگاهانه حکمران را به اطاعت زبان دین واداشته و همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيُطِيعِ الْعَزِيزَ (متقی، ۱۴۱۹ق: ش ۴۳۱۰۱)؛ هرکه خواهان عزت دو جهان است باید که از عزتمند فرمان برد»، عزت حقیقی را در پی می آورد.

هنگامی که حکمران بر تقوای خود استوار شد، کنش های راهبردی وی با استعانت مداوم از خداوند همراه می شود. «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (فاتحه: ۵)؛ و تنها از تو یاری می جوئیم» دستوری است که هر اقدام را به طلب یاری از خالق پیوند می زند و تلاشی استوار در برابر ناملایمات ایجاد می کند. مناجات می گوید: «وَأَسْمَعُ دُعَائِي... مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ تَوَّابِي (قمی، مناجات شعبانیه)؛ خدایا! زمانی که تو را می خوانم، به خواندن من گوش بسپار!... در حال تضرع و درخواستی توأم با گریه و زاری دارم، همه چشم امید من به توست» و روایت می افزاید که «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يُغْلَبْ (طبرسی، ۱۳۷۹، ج: ۱، ۲۱)؛ هرکس توکل بر خدا کند مغلوب نگردد». این پیوند، حکمران را در بحران ها پایدار نگه می دارد و امید به یاری الهی را به سرمایه روانی سازمان تبدیل می کند.

باتوجه به اصول تبیین شده در این بخش، می توان به یک مدل یکپارچه رهبری معنوی

دست یافت که با نظریه‌های معاصر در حوزه رهبری اسلامی همخوانی دارد؛ جایی که توکل نه تنها یک فضیلت فردی، به مثابه یک مکانیسم واسطه‌ای در فرایند تصمیم‌گیری عمل می‌کند (Gondal et al, 2024). دیدگاه اخلاق فضیلت‌گرا، که ریشه در سنت ارسطویی-اسلامی دارد (مانند آنچه در آثار نراقی و صدر بازتاب یافته)، فضایل اخلاقی (مانند تواضع) را به مثابه پایه‌های درونی رهبری برجسته می‌سازد، که این فضایل از دل توکل زاده می‌شوند و به تصمیم‌گیری‌های کرامت‌محور و مشورت‌پذیر منجر می‌گردند. پس یافته‌های این بخش باعث ساختن هم‌راستایی با مدل‌های تحول‌آفرین رهبری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی می‌شود، که در آن توکل به مثابه عنصری کلیدی برای الهام‌بخشی و مدیریت عدم قطعیت عمل می‌کند.

۳. مختصات حکمران تراز در مناجات شعبانیه

۳-۱. توکل فعال و فضایل اخلاقی در تصمیم‌گیری راهبردی

ابتدا حکمران باید به محدودیت‌های معرفتی خود اعتراف کرده و حداکثر توان علمی خود را به کار گیرد، اما برای تضمین نتایج، بر «حَسْبُنَا اللَّهُ» (آل عمران: ۱۷۳) توکل کند. این «توکل فعال» نه به معنای عدم تلاش، بلکه همراه‌سازی علم انسانی با حکمت الهی است که زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های سنجیده در مواجهه با عدم قطعیت می‌شود. این رویکرد در رفتار رهبری به فروتنی تبدیل می‌شود. تواضع به معنای شکسته‌نفسی است، به گونه‌ای که حکمران خود را برتر از دیگران نبیند و احترام به پیروان را در رفتار و گفتار خود نشان دهد. مناجات شعبانیه و نامه‌های امام علی علیه السلام بر لزوم داشتن قلبی رحیم و تواضع در برابر رعیت تأکید دارند: «وَأَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). از این فروتنی، «تقوای سازمانی» شکل می‌گیرد که حکمران را از لغزش و فساد باز می‌دارد. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «لَا كَرَمَ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى» (نهج البلاغه: حکمت ۳۷۱). مناجات شعبانیه نیز هشدار می‌دهد که فقط به فضل الهی می‌توان از معصیت بازگشت. این تقوا و خوف، حکمران را به اطاعت از خداوند می‌کشاند: «مَنْ أَرَادَ عَزَّ الدَّارِينَ فَلْيُطِيعِ الْعَزِيزَ» (متقی، ۱۴۱۹ق: ش ۴۳۱۰۱). حکمران با تقوای درونی، به استعانت از خداوند در تمام کنش‌های خود پرداخته و از خدا یاری می‌جوید:

«إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (فاتحه: ۵). مناجات شعبانیه نیز بر این پیوند تأکید دارد: «مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ» (قمی، مناجات شعبانیه). این پیوند حکمران را در بحران‌ها پایدار نگه می‌دارد و امید به یاری الهی را به سرمایه روانی تبدیل می‌کند. این اصول به یک مدل یکپارچه رهبری معنوی منجر می‌شود که با نظریه‌های معاصر در رهبری اسلامی همخوانی دارد. در این مدل، توکل نه تنها یک فضیلت فردی، بلکه مکانیسمی واسطه‌ای در فرایند تصمیم‌گیری است (Gondal et al, 2024). در دیدگاه اخلاق فضیلت‌گرا، فضایل اخلاقی (مانند تواضع) پایه‌های درونی رهبری را تشکیل می‌دهند و به تصمیم‌گیری‌های کرامت‌محور و مشورت‌پذیر می‌انجامند. این مدل با رهبری تحول‌آفرین مبتنی بر ارزش‌های اسلامی هم‌راستا است که در آن توکل به مثابه عنصری کلیدی برای الهام‌بخشی و مدیریت عدم قطعیت عمل می‌کند.

۲-۳. غنیمت شمردن فرصت‌ها با افق آخرت محور (تقوای راهبردی)

به موازات استعانت، «غنیمت شمردن فرصت‌ها» نیز از تقوای راهبردی ناشی می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام هشدار می‌دهد: «خَوْفَ مَنْ شَغَلَ بِالْفِكْرِ قَلْبَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۴۵) و نهج البلاغه می‌فرماید: «وَقَتْلِكَ مُغْتَنَّمٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۶۰۸) و مناجات شعبانیه نیز مژده می‌دهد: «فَلَا تُفْضِخْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (قمی، مناجات شعبانیه)، و سیر حضرت خضر در «فَانْطَلَقَا... خَرَقَهَا» (کهف: ۷۱)؛ (آن دو به راه افتادند تا آنکه سوار کشتی شدند... خضر کشتی را سوراخ کرد)، الگوی مداخله به موقع در برابر مفسده‌های پیش آمده است. با این نگرش، کوتاهی در تصمیم‌گیری ظلم به نفس و تضییع فرصت تلقی می‌شود: «إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي... فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تُغْفِرْ لَهَا» (قمی، مناجات شعبانیه)؛ (خداوندا، در توجه به نفس خودم ظلم کردم؛ در نابود و تباه کردن خودم تجرّی به خرج دادم... وای بر من اگر تو ناجی من نباشی!) و «مَاضِيَ يَوْمِكَ فَأَيْتٌ... وَقَتْلِكَ مُغْتَنَّمٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۶۰۸)؛ (دیروزت فوت شده و فردایت نامعلوم است) برای جلوگیری از نهادینه شدن فغان‌انگیزی سطحی، حکمران افق‌سنجش و ارزیابی خود را به معیار آخرت معطوف می‌کند.

برای پرهیز از کوتاه مدت‌نگری و ابزارگری کردن فضایل، افق ارزیابی باید «آخرت‌گرا» باشد. مناجات می‌گوید: «لَمْ يَزَلْ يَرْكُ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعُ بِرُكِّ عَنِّي فِي مَمَاتِي» (قمی، مناجات شعبانیه)؛ (همان‌طور که لطف و احسان تو در همه زندگانی‌ام شامل حالم بود، در مرگ هم، این مخلوق را از کرامت و لطف محروم نکن!) و امام علی علیه السلام هشدار می‌دهد: «وَ أَحْذِرْكُمْ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا مَنْزِلُ قُلْعَةٍ وَ لَيْسَتْ بِدَارِ نُجْعَةٍ (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳)؛ شما را از دنیا برحذر می‌دارم که سرائی است ناپایدار». این چشم‌انداز نه تنها فساد را مهار می‌کند، تخصیص عادلانه منابع و مسئولیت‌پذیری را نیز تضمین می‌نماید و سنجش تصمیم‌ها نه فقط با شاخص‌های کارایی دنیوی، که با معیارهای اخروی انجام می‌گیرد. این افق، هم فساد را بازمی‌دارد و هم به تخصیص منابع، انضباط مالی و عدالت توزیعی جهت می‌دهد.

غنیمت شمردن فرصت‌ها در این بخش به مثابه مفهوم محوری عمل می‌کند و از لایه هشدارهای زمانی «وَقْتِكَ مُعْتَنَّمًا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۸، ج: ۱: ۶۰۸) به لایه‌های عملی، یعنی مداخله خضر در سوراخ کردن کشتی به مثابه اقدامی پیشگیرانه برای نجات از مفسده (کهف: ۷۱) و ارزیابی آخرت‌محور (ترس از «فُضْح» در قیامت) (قمی، مناجات شعبانیه) امتداد می‌یابد. این رویکرد، با مدل‌های رهبری مبتنی بر منابع اولیه شیعی، مانند قرآن و مناجات شعبانیه و...، همخوانی دارد؛ که عناصری مانند فوریت، پیشگیری، و آخرت‌گرایی را به مثابه ستون‌های حکمرانی اسلامی قرار می‌دهند (طوبایی، ۱۳۹۲). چهارچوب‌شناسی اسلامی، تقوای راهبردی را به مثابه واسطه بین معرفت «خَوْفٌ مَنْ شَغَلَ بِالْفِكْرِ قَلْبَهُ» و عمل «جُرُؤٌ عَلَى نَفْسِي» برجسته می‌سازد، و این عنوان با مدل‌های اخلاقی فضیلت اسلامی همخوانی دارد؛ جایی که تقوا به مثابه عزت حقیقی عمل می‌کند؛ زیرا خداوند در جایگاهی قرار دارد که هیچ عامل شکستی، قدرت شکست دادن او را ندارد (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۵۸، ح ۱۹۱). هرکس چنین استواری و عزتی را خواستار است باید حرکت معنوی عظیمی به نام تقوا را آغاز کند (انصاریان، ۱۳۸۹: ۱۳۰) و از حیث حکمرانی، وجود تقوا در حکمرانان سبب می‌شود که فرصت‌های موجود را از حالت سطحی‌نگری به عمق آخرت‌محوری ارتقا دهند.

۳-۳. امیدواری بنیادین و فضایل سازمانی

نتیجه توالی این فرایند، «امیدواری بنیادین» است؛ رشته‌ای از اطمینان که نه بر احساس خوف بی‌مهابای نفسانی، بلکه بر علم و رحمت الهی استوار است. مناجات می‌گوید: «تَعَلَّمْ مَا فِي نَفْسِي... وَ بَيْدِكَ لَا بَيْدَ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نُقْصِي وَ نَفْعِي وَ ضُرِّي» (قمی، مناجات شعبانیه) و نیز: «إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ... عَلَيَّ مُذْنِبٌ غَمْرُهُ جَهْلُهُ» (قمی، مناجات شعبانیه)؛ خدایا درباره کارهای من... در قبال من گناهکاری که غرق در جهالت هستم، با فضلت به این بنده روی برگردان! این امید، مطابق با آموزه‌های پژوهشگران داخلی، موتور تاب‌آوری و انگیزش جمعی است (عبداللهی، ۱۴۰۳).

در میدان تعاملات درون‌سازمانی، «عیب‌پوشی سازنده» به تقویت حس ایمنی روانی و یادگیری مستمر کمک می‌کند. مناجات از خداوند می‌خواهد «سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا... فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (قمی، مناجات شعبانیه)؛ معصیت‌هایم را از همه بندگان دیگر مستور داشته‌ای و من در قیامت به ساتر بودن و عفو از جانب تو، از زمانی که در دنیا بودم نیازمندتر هستم» و امیرالمؤمنین علیه السلام تأکید می‌فرماید: «و لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سِوَاِهَا فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَ تَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ وَ الزَّمَّ كَلًّا مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَهُ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، پس هرکدام را براساس کردارشان پاداش ده! این رویکرد، ترکیب «ایمنی روانی» با «نظام تنبیه و تشویق عادلانه» را ممکن می‌سازد و پیوند وفاداری کارکنان با اخلاق سازمان را مستحکم می‌کند.

در نهایت، «صداقت ساختاری» شالوده اعتماد نهادی است. بدون سازگاری گفتار و کردار، سرمایه اجتماعی تحلیل می‌رود. امام علی علیه السلام فرمان می‌دهد «وَالصِّدْقُ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصِّدْقِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ به پرهیزگاران و راست‌گویان ببیوندا! و مقام معظم رهبری علیه السلام هشدار داده است: «بسیاری از مشکلات کشور ناشی از فقدان صداقت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۱۲). مناجات نیز تقاضا دارد: «هَبْ لِي قَلْبًا يَذِيْبُهُ مِنْكَ شَوْقُهُ... وَ لِسَانًا يَرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ» (قمی، مناجات شعبانیه). صداقت نه تنها فضیلت اخلاقی، پیش شرط کارآمدی و بقا در سپهر حکمرانی به‌شمار می‌آید.

امیدواری بنیادین به مثابه مفهوم محور عمل می‌کند و از لایه معرفتی-عاطفی، یعنی «تَعَلَّمْ مَا فِي نَفْسِي... وَ يَبْدِكَ لَا يَبْدِي غَيْرِكَ» (قمی، مناجات شعبانیه)، به لایه‌های سازمانی، یعنی «سَتَوَتْ عَلَيَّ دُنُوبًا» (همان) و ساختاری، امتداد می‌یابد. چهارچوب شناسی اسلامی، فضایل سازمانی را به مثابه واسطه بین امید فردی «إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ» (همان) و کارآمدی جمعی برجسته می‌سازد، و این عنوان با مدل‌های حکمرانی اسلامی -مانند آنچه در نهج البلاغه بازتاب دارد که صداقت را پیش شرط بقا می‌خواند- همخوانی دارد.

۳-۴. تعادل پویای خوف و رجا

همان‌طور که در بخش قبل بر امید تأکید شد، در این بخش تلاش شده تا مشخص شود این امید چگونه با خوف متعادل می‌شود تا به پایداری برسد. در رویکرد اسلامی به حکمرانی، توازن میان خوف و رجا یکی از بنیادی‌ترین ویژگی‌های شخصیتی برای مدیران تلقی می‌شود؛ توازنی که نقشی اساسی در خودمهارگری اخلاقی و پایداری تصمیم‌گیری دارد. امام صادق علیه السلام از پدرشان امام باقر علیه السلام نقل می‌کنند: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نُورَانِ: نُورٌ خَيْفَةٌ وَ نُورٌ رَجَاءٌ، لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَيَّ هَذَا (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۶۷)؛ هیچ بنده مؤمنی نیست مگر آنکه در دلش دو نور است: نور ترس و نور امید؛ هر یک از آن‌ها را وزن کنی بر دیگری فزونی نیابد». این روایت، بر هم‌سنگ بودن خوف و امید در قلب مؤمن دلالت دارد و نشان می‌دهد که غلبه هر یک بر دیگری، تعادل روانی و رفتاری را برهم می‌زند. از این دیدگاه، امید بی‌مهار می‌تواند به غرور و بی‌مبالاتی بینجامد و خوف افراطی، راه را به سوی یأس و رکود بگشاید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز در حدیثی، کمال عقل را با خشیت و اطاعت الهی پیوند می‌زند: «أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلاً أَوْفُوهُمْ لِلَّهِ وَأَطَوْعُهُمْ لَهُ» (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۵۰)؛ کامل‌ترین مردم از لحاظ خرد، بیمناک‌ترین و فرمانبردارترین آنان از خداست». براین اساس، خوف در منظومه و حیوانی، نه احساس منفی و محدودکننده، بلکه عامل تعمیق عقلانیت و التزام عملی تلقی می‌شود. به همین دلیل، حکمرانانی که این اعتدال را درونی کرده‌اند، هنگام مواجهه با خطا و کاستی، امید را به نیروی محرک اصلاح و بهبود و بهبود و خوف را به سازوکار بازدارنده برای پیشگیری از تکرار خطا بدل می‌کنند.

زبان مناجات‌ها، به‌ویژه مناجات شعبانیه، نمونه‌ای برجسته از همزیستی خوف و رجا را به تصویر می‌کشد. در این مناجات آمده است: «إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتَنِي بِعَفْوِكَ وَإِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتَنِي بِمَغْفِرَتِكَ» (قمی، مناجات شعبانیه)؛ (خدایا تو حق مطلق هستی و می‌توانی مرا به دلیل جرمم مؤاخذه کنی و من بی‌پاسخ هستم، ولی تو از لطف و بخشش همیشگی‌ات مرا بی‌نصیب مگذار!) که نشان می‌دهد مؤمن، حتی با اذعان به تقصیر، امید به بخشش را از دست نمی‌دهد. همچنین، در فراز «إِنْ كَانَ صَغُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي» (همان)؛ گرچه در مقابل طاعت و فرمانبری تو، اعمال من بسیار حقیر است، اما در مقابل امید به تو، آرزوهای من بسیار عظیم است»، بر آن تأکید می‌شود که بزرگی امید می‌تواند کاستی عمل را جبران کند. این نگرش، الگویی عملی برای حکمرانی است و بدین شکل می‌توان این فرایند را تبیین کرد: پذیرش مسئولیت خطا، یادگیری از آن و حفظ انگیزش برای ادامه مسیر، بدون انکار یا توقف.

در ادبیات عرفانی، تجربه‌های معنوی به دو حالت «فراق» و «وصال» تقسیم شده است (ابن عربی، ۱۹۴۶م: ۷۳؛ Chittick, 1989). سالک در حالت فراق، فاصله‌ای میان خود و حق احساس می‌کند و خوف، او را به مراقبت و بازگشت وامی‌دارد؛ درحالی‌که امید، نیروی حرکت و استمرار را فراهم می‌کند. در حالت وصال، خوف از دست دادن مقام قرب و امید به تداوم آن، موجب پایداری در موقعیت می‌شود. این دو وضعیت را می‌توان به عرصه مدیریت نیز تعمیم داد: در حالت فراق سازمانی - یعنی افت فاصله دار از وضعیت بهینه - امید، محرک بازسازی و خوف، تضمین‌کننده دقت و انضباط است؛ و در حالت وصال سازمانی - یعنی دستیابی به وضعیت مطلوب - خوف، مانع افت کیفیت و امید، مشوق نوآوری و تعالی مستمر خواهد بود.

بنابراین، آموزه اعتدال خوف و رجا صرفاً توصیه‌ای فردی نیست، بلکه چهارچوبی راهبردی برای مدیریت و رهبری سازمانی به‌شمار می‌آید. مدیری که این توازن را درونی کرده باشد، در وضعیت بحران، امید را موتور حرکت و خوف را ترمز لغزش قرار می‌دهد و در دوران موفقیت، با خوف، کیفیت را حفظ و با امید، افق‌های تازه‌ای برای پیشرفت می‌گشاید. این الگو، نشان می‌دهد که چگونه مفاهیم بنیادین در منابع دینی می‌توانند به صورت کارآمد در حوزه‌های کاربردی - همچون حکمرانی و مدیریت - بازتولید شوند.

۴. الگوی تحول‌آفرین شخصیت حکمرانان

مناجات شعبانیه فراتر از یک متن عبادی شخصی، یک الگوی تحول‌آفرین برای شخصیت حاکم و یک چهارچوب عملی برای حکمرانی اخلاق‌محور است. این مناجات، فرایندی را ترسیم می‌کند که حاکم را از کانون خودبینی به سمت ساختن یک نظام حکمرانی مبتنی بر توکل، فروتنی، تقوا، و صداقت هدایت می‌کند. این الگوریتم، با تأکید بر خودسازی به مثابه پیش‌نیاز اصلی، اتقان در حکمرانی و عمق بخشیدن به بُعد اخلاقی آن را به طور توأمان تضمین می‌نماید. تحلیل عمیق‌تر این شاخص‌ها نشان می‌دهد که چگونه این مفاهیم دینی، با پیشرفته‌ترین نظریه‌های رهبری و حکمرانی معاصر هم‌خوانی دارد و آن‌ها را در بُعد معنوی غنی‌تر می‌سازد.

مناجات با «إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي» آغاز می‌شود که اعترافی صریح به خطا و محدودیت است. این عبارت، هسته اصلی مفهومی است که در ادبیات حکمرانی معاصر از آن با عنوان «فروتنی فکری» یاد می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که رهبران فروتن، تمایل بیشتری به شنیدن دیدگاه‌های مخالف، پذیرش بازخوردها و بهره‌گیری از خرد جمعی دارند (Owens & Hekman, 2012). برای یک حاکم، این ویژگی به معنای پرهیز از تصمیم‌گیری‌های خودرأیانه و تک‌بعدی است. حاکمی که به محدودیت دانش خود آگاه است، مشاوران متخصص و نخبگان را نه تهدید، بلکه به مثابه ضرورتی برای حکمرانی مطلوب به کار می‌گیرد و از پدیده «توهم تخصص»، که منجر به فاجعه در سیاست‌گذاری می‌شود، دوری می‌کند.

«صداقت» در گفتار و عمل حاکم، زیربنای اعتماد عمومی است؛ اما مناجات، این مفهوم را با «عیب‌پوشی سازنده» تکمیل می‌کند. این ترکیب هوشمندانه، دقیقاً همان چیزی است که «امنیت روانی» در سازمان‌ها تبیین می‌کند. پژوهش‌های ادmondson نشان داد که در تیم‌هایی که رهبران فضایی امن برای گزارش خطاها و نقاط ضعف فراهم می‌کنند، نوآوری و یادگیری به شدت افزایش می‌یابد (Edmondson, 1999). برای یک حکمران، این به معنای آن است که «عیب‌پوشی سازنده»، پنهان‌کاری فساد یا ناکارآمدی نیست؛ بلکه ایجاد فرهنگی است که در آن کارگزاران دولتی و شهروندان، بدون ترس از توبیخ یا انتقام،

نارسایی‌های سیستم را گزارش دهند تا فرصت برای بهبود فراهم شود. صداقت حاکم، ضامن ایجاد این فضای امن است.

تقوا و آخرت‌نگری برای حکمرانان، یک مکانیزم نظارتی فراتر از قوانین عرفی و نهادهای بازرسی است؛ درحالی‌که حسابدگی در حکمرانی مدرن عمدتاً بیرونی تعریف می‌شود. تقوا یک حسابدگی درونی و مستحکم ایجاد می‌کند. حاکم متقی، خود را نه تنها در برابر ملت، که در برابر یک معیار متعالی و عدالت الهی مسئول می‌داند. این حس مسئولیت، بازدارنده‌ای قدرتمند در برابر فساد، سوءاستفاده از قدرت و تصمیم‌های کوتاه‌مدت و منفعت‌طلبانه است. این ویژگی، عمق «رهبری اخلاقی» (Ethical Leadership) را فراتر از پیروی صرف از قوانین برده و آن را به یک باور ریشه‌دار تبدیل می‌کند که اعتماد عمومی را به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد (Yukl, 2013: 382).

تضرع و امیدواری - که در مناجات بر آن‌ها تأکید شده است - صرفاً یک حس مثبت فردی نیست، بلکه یک ابزار قدرتمند «رهبری امیدآفرین» است. در اوضاع بحران، جامعه به شدت در معرض یأس و بی‌اعتمادی قرار می‌گیرد. حاکمی که امید خود را از منبعی عمیق و پایدار (مانند توکل به خداوند) می‌گیرد، می‌تواند این امید را به کل جامعه سرایت دهد. این امید، به سرمایه اجتماعی تبدیل شده و مقاومت مردم را در برابر سختی‌ها افزایش می‌دهد و آن‌ها را برای مشارکت در راه‌حل‌ها ترغیب می‌نماید (Snyder, 2002).

این پیوستگی در خود مناجات، با حرکت از «إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي» (اعتراف به ضعف) به «إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ» (طلب تحول وجودی برای خدمت)، تجلی می‌یابد. این مسیر نشان‌دهنده آن است که حکمرانی صالح و الهی، محصول یک تحول درونی عمیق در شخصیت حاکم است؛ تحولی که او را از یک مدیر صرف، به یک رهبر اخلاقی، فروتن و امیدآفرین بدل می‌سازد.

جدول ۲: مؤلفه‌های کلیدی حکمران اسلامی از نگاه مناجات شعبانیه

کارکرد عملی برای حاکم	مفهوم مدیریتی	کد اولیه (از متن مناجات)	مؤلفه کلیدی
جلوگیری از	پذیرش وابستگی	مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ	اعتراف به

<p>تصمیم‌گیری‌های خودرآیانه، تشویق به مشورت و بهره‌گیری از خرد جمعی از طریق پذیرش محدودیت‌های دانشی و پرهیز از «توهم تخصص»</p>	<p>مطلق به هدایت الهی در تصمیم‌گیری</p>		<p>محدودیت‌های معرفتی</p>
<p>ایجاد فضایی امن برای گزارش خطاها و نارسایی‌ها توسط کارگزاران، که منجر به یادگیری سازمانی و بهبود مستمر سیستم حکمرانی می‌شود، نه پنهان‌کاری فساد</p>	<p>پوشش خطاها و حمایت از کارکنان</p>	<p>وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أُحِبُّكَ</p>	<p>تواضع</p>
<p>ایجاد یک بازدارنده درونی و قدرتمند در برابر فساد و سوءاستفاده از قدرت، فراتر از نظارت‌های بیرونی و قانونی. این ویژگی، اعتماد عمومی را به شکل ریشه‌دار تقویت می‌کند.</p>	<p>راست‌گویی و شفافیت در ارتباطات سازمانی</p>	<p>وَ أَسْمَعُ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا</p>	<p>عیب‌پوشی سازنده</p>
<p>تقویت مقاومت و همبستگی اجتماعی در وضعیت بحران</p>	<p>در نظرگیری پیامدهای اخروی در تصمیم‌ها</p>	<p>فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي</p>	<p>آخرت‌گرایی سازمانی</p>
	<p>احساس مسئولیت و مراقبت در برابر خداوند</p>	<p>وَ مِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا</p>	<p>تقوای سازمانی</p>
	<p>حفظ روحیه امیدواری در مواجهه با</p>		<p>امیدواری بنیادین</p>

از طریق سرایت امید از حاکم به جامعه و	چالش‌ها		
تبدیل آن به سرمایه‌ای برای مشارکت عمومی در حل مشکلات.	تکیه بر توفیق الهی در انجام وظایف	رَاجِعاً لِمَا لَدَيْكَ تَوَّابِي	استعانت مداوم

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف جبران خلأ نظری در ادبیات حکمرانی اسلامی و با تمرکز بر مناجات شعبانیه، به استخراج الگوی حکمران مطلوب از یک منبع عرفانی کمترکاویده پرداخت. مسئله اصلی، نبود الگوهای نظام‌مند مبتنی بر مبانی وجودی حاکمان بود؛ از این رو، پژوهش با رویکردی کیفی و توصیفی-تحلیلی، شایستگی‌های کلیدی حاکم تراز اسلام را احصا و دسته‌بندی کرد. یافته‌ها نشان داد که مناجات شعبانیه، حکمرانی را بر محور «عبودیت» بازتعریف کرده و آن را فرایندی از خودسازی و خدمتگزاری می‌داند، نه صرفاً ساختار قدرت. مؤلفه‌های اصلی در چهار محور جمع‌بندی می‌شوند: ۱. فروتنی معرفتی و اعتراف به محدودیت‌های انسانی؛ ۲. خداترسی، تقوا و صداقت به مثابه سازوکار نظارت درونی؛ ۳. توکل فعال و تعادل خوف و رجا به مثابه چهارچوب تصمیم‌گیری و خودمهارگری و ۴) امید و آخرت‌گرایی؛ که معیار ارزیابی عملکرد را از سطح دنیوی به افق الهی ارتقا می‌دهد. در این چهارچوب، فضایل اخلاقی کارکردی راهبردی یافته و «تقوا» و «توکل» به ترتیب نقش نظام کنترل درونی و مدیریت عدم قطعیت را ایفا می‌کنند. در نسبت با پیشینه، این پژوهش مکمل مطالعات مبتنی بر نهج البلاغه، همچون باباپور گل‌افشانی (۱۳۹۹) و طباطبایی ندوشن و غفوری (۱۴۰۲) است و نشان می‌دهد عدالت و مسئولیت‌پذیری، ثمره تحول وجودی عمیق‌تری اند که با «اعتراف به ظلم بر نفس» (إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي) آغاز می‌شود. همچنین، با دیدگاه عبداللهی (۱۴۰۰) درباره پیوند «ایمان و عقل» همسوست و در برابر الگوهای سکولار حکمرانی خوب (Grindle, 2007)، بر تقدّم سازوکارهای درونی مبتنی بر مسئولیت الهی تأکید می‌کند. با این حال، تمرکز بر یک متن عرفانی و ماهیت کیفی پژوهش،

تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌سازد و ضرورت مطالعات تطبیقی و آزمون‌های تجربی را برجسته می‌کند. پیشنهاد می‌شود: ۱. الگوی ارائه‌شده در پژوهش‌های ترکیبی و با سنجش شاخص‌هایی، چون رضایت عمومی و کارآمدی سازمانی، آزمون شود؛ ۲. مطالعات تطبیقی با دیگر سنت‌های عرفانی انجام گیرد؛ ۳. انطباق گفتار و عمل کارگزاران مدعی این مبانی، تحلیل گفتمانی شود.

در سطح کاربردی، مؤلفه‌های استخراج‌شده می‌تواند مبنای گزینش، ارزیابی و آموزش مدیران در نهادهای اسلامی قرار گیرد؛ از طراحی سناریوهای سنجش فروتنی و توکل فعال تا نهادینه‌سازی این ارزش‌ها در اسناد راهبردی سازمان‌ها. در مجموع، بازخوانی متون اصیل عرفانی نه تنها ضرورتی فرهنگی، اقدامی علمی برای تعمیق و بومی‌سازی نظریه حکمرانی اسلامی و ارائه الگویی پایدار در مواجهه با مسائل معاصر است.



کتابنامه

قرآن کریم

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۱۸ق). شرح نهج البلاغة، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷ق). إقبال الأعمال، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
ابن عربی، محمد بن علی (۱۹۴۶). فصوص الحکم، تحقیق ابوالعلاء عفیفی، بیروت، دارالکتب العربی.

ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۷). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه وآله، قم، آل علی.
ادیانی، سیدیونس، و موسوی راد، سیده مرضیه (۱۳۸۹). شاخص های کارآمدی و کارایی حکومت اسلامی در اندیشه امام علی. تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۸). غرر الحکم و درر الکلم □ : مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی، قم، دارالکتب الإسلامی.

انصاریان، حسین (۱۳۸۹). ارزش ها و لغزش های نفس / مجموعه سخنرانی های حسین انصاریان، قم، دارالعرفان.
_____ (بی تا). ترجمه مناجات شعبانیه، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت استاد حسین انصاریان، مؤسسه فرهنگی دارالعرفان.

باباپور گل افشانی، محمد مهدی (۱۳۹۲). حاکمیت و حکمرانی در نهج البلاغه، قم، جامعه المصطفی العالمیه.
بور، مارک (۱۳۹۷). حکمرانی؛ مقدمه ای بسیار کوتاه، ترجمه عرفان مصلح و زهره کریمیان، تهران، کرگدن.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه وآله)، تهران، دنیای دانش.

تحریری، محمدباقر (۱۳۸۹). نجوای عارفانه (شرحی بر مناجات شعبانیه)، تهران، حر (سبحان).
خاشعی، وحید؛ هرندی، عطاءاله (۱۳۹۳). «تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی»: تلفیق رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا»، پژوهش های علم و دین، دوره ۵، ش ۲، ص ۸۵-۱۱۰.

خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۷/۱۲/۱۲). بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره صفت های

بر جسته اخلاقی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای مدظله‌العالی،

دسترسی در: <https://khl.ink/ff/42121>

خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ❦

رازی، ابن مسکویه (۱۴۳۷)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

رضی بهابادی، بی‌بی سادات، فرشته معتمد لنگرودی، زهرا صرفی و زهرا آبائی (۱۴۰۱). «تجلی

آیات قرآنی در مناجات شعبانیه»، سراج منیر، دوره ۱۳، ش ۴۵، ص ۱۸۵-۲۱۶.

رهبر، عباسعلی و شریعتی، محمود (۱۳۹۷). «الگوی مفهومی واقع‌نگری در اندیشه و رفتار

سیاسی امام‌علی (ع)»، پژوهش‌های اعتقادی کلامی، دوره ۸، ش ۳۲، ص ۱۲۹-۱۵۸.

سالارزهی، حبیب‌الله و ابراهیم‌پور، حبیب (۱۳۹۱). «بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت

دولتی: از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب»، مدیریت دولتی، دوره

۴، ش ۹، ص ۴۳-۶۲.

شریف رضی، محمدبن حسین (۱۳۹۷). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

صالحی، مطهره و محمد قاسمی (۱۴۰۲). «تبیین مسئله ضرورت حکمرانی خوب از منظر

قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (ص)»، فصلنامه مطالعات توسعه و مدیریت منابع، دوره ۱، ش ۴،

ص ۱۲۵-۱۴۲.

صدر، سیدمهدی (۱۳۸۴). اخلاق أهل البيت (ع)، قم، نصاب.

طبرسی، علی‌بن حسن (۱۳۷۹). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، قم، دارالثقلین.

طوبایی، محمدتقی (۱۳۹۲). مروری بر جایگاه آخرت‌گرایی در مدیریت اسلامی و تأثیر آن در

حوزه وظیفه‌برنامه‌ریزی، تهران، دانشگاه امام‌صادق (ع).

عبداللهی، محمداسماعیل (۱۴۰۰). نور ایمان و عقل در حکمرانی، تهران، مطالعات حکمی.

_____ (۱۴۰۲). «نقش مجتهد حکمران در حکمرانی دینی: بررسی عنصر بنیادی در تعامل

الهیات، مردم و حکومت»، مجله فقه اجتماعی، دوره ۵، ش ۲، ص ۱۴۵-۱۲۳.

_____ (۱۴۰۳). «انگاره حکمرانی توحیدی و نقش آن در ارتقای سرمایه اجتماعی»، فصلنامه

علمی گفتمان انقلاب اسلامی، دوره ۱، ش ۱، ص ۱-۲۲.

عشریه، رحمان (۱۴۰۳). «تحلیل معناشناختی حُجُب النور در مناجات شعبانیه با رویکرد

قرآنی»، دوفصلنامه دعاپژوهی، دوره ۴، ش ۷، ص ۲۳۹-۲۵۵.

- غفوری، اکبر، طباطبایی ندوشن، سیدروح الله (۱۴۰۲). سیاست و حکمرانی در قرآن و نهج البلاغه، یزد، دانشگاه یزد.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قمی، عباس (۱۳۸۸). مفاتیح الجنان، ترجمه حسین انصاریان، قم، دارالعرفان.
- قوچانی، محمود (۱۳۷۴). فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، شرح عهدنامه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به مالک اشتر، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- متقی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹). کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت، دارالکتب العلمية.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة دارالوفا.
- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۷۳). شرح مناجات شعبانیه، تهران، سایه.
- مرزبان، نازنین، محمدرحیم عیوضی، علی دارابی و محمدعلی خسروی (۱۴۰۳). «واکاوی حکمرانی متعالی: مدلی برای جهان اسلام و تبیین مؤلفه‌های آن از منظر قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۳، ش ۳، ص ۱۴۹-۱۷۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). آشنایی با علوم اسلامی: بخش انسان‌شناسی، تهران، صدرا.
- _____ (۱۳۷۶). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا.
- ناصری، ذوالفقار (۱۴۰۴). «تبیین و تحلیل حکمرانی خیر و حکمرانی شر»، مطالعات حکمرانی اسلامی، دوره ۱، ش ۱، ص ۳۰۸-۳۴۰.
- نبوی، محمدحسن (۱۳۸۲). مدیریت اسلامی، قم، بوستان کتاب.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۸). معراج السعادة، قم، هجرت.
- Barbier Lance & Tengeh Robertson, K. (2023). *Literature Review of Public Administration and Good Governance from 1890 to 2023*,. Journal Transformative, 9(1), 3-65.
- Chittick, W. C. (1989). *The Sufi Path of Knowledge: Ibn al-Arabi's Metaphysics of Imagination*. State University of New York Press. pp. 328-330
- Edmondson, A. (1999). *Psychological safety and learning behavior in work teams*. Administrative Science Quarterly, 44(2), 350-383.
- Gondal, Muhammad Usama, Adil, Adnan, Shujja, Sultan, Ishaq, Ghulam, Ghayas, Saba (2024),

- The mediating role of Tawakkul and perceived social competence between locus of control and flourishing*, *Mental Health, Religion & Culture*, 27(4), 391-404.
- Grindle, M. S. (2007). *Good enough governance revisited*. *Development Policy Review*, 25(5), 553-574.
- Hasanovic, B., & Avdukic, A. (2025). *An Analytical Exploration and Assessment of the Commercialisation of Islam Through Financial Institutions and Education*. In E. Aslam (Ed.), *Business, Economy and Commerce in the Name of God: Prospects and Pitfalls*. *Wiener Beiträge zur Islamforschung (WSI)*. Springer, pp. 97-115
- Kettl, Donald F. (2015). *The Transformation of Governance: Public Administration for the Twenty-First Century*, Johns Hopkins University Press.
- Owens, B. P., & Hekman, D. R. (2012). *Modeling how to grow: An inductive examination of humble leader behaviors, contingencies, and outcomes*. *Academy of Management Journal*, 55(4), 787-818.
- Snyder, C. R. (2002). *Hope theory: Rainbows in the mind*. *Psychological Inquiry*, 13(4), 249-275.
- Wagner, J. (2013). *Islamic perspectives on good governance: A comprehensive analysis*. *International Journal of Multidisciplinary Research and Development*, 10(10), Part B.
- Yukl, G. (2013). *Leadership in organizations (8th ed.)*. Pearson.